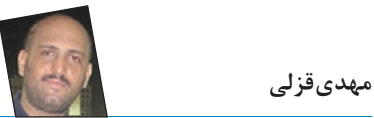


با موافقت رهبر انقلاب، نیروهای جهادی مردمی جان باخته اهل ست و شیعده در حادثهٔ واژ گونی قایق در شهر گمیشان «شهید خدمت» محسوب شدند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ایشان با درخواست نماینده‌ولی فقیه در گلستان برای «شهید خدمت» اعلام شدن نیروهای جان باخته جهادگر مردمی در حادثهٔ واژ گونی قایق در سیل گمیشان موافقت کردند.



مهدی قزلی

سال ۱۳۹۷ جشنواره شعر فجر را در خوزستان شروع کردیم؛ در گتوند و از مزار قیصر امین پور، وقتی با دبیران دوره‌های گذشته و رفقای شاعر دیگر راهی خوزستان شدیم، مسئولان سد کرخه که دستی هم در ادبیات داشتند میزبان سفر کوتاه ما شدند. البته سابقه آشنایی من با این سد و خوزستان بیشتر بود. حدود ۳۰ سال پیش، اواخر جنگ، اولین آشنایی را با خوزستان پیدا کردم، وقتی با پدر کسوت یک نظامی به پایگاه بهمهان منتقل شد. این اولین تجربه خارج از تهران زندگی کردن من بود در هفت سالگی. طبیعت متفاوت بهمهان ما را مجذوب و مدهوش کرده بود و البته ظرفیت های بیشتر برای بازی و کودکی. از آن ۳۰ سال پیش تا حالا بارها رفته‌ام خوزستان مثل یک وطن. خبر سیل لرستان که آمد می‌دانستم آب در لرستان کوهستانی نمی‌ماند. آب فطرتی دارد به سمت دریا و دریا انتهای جلگه خوزستان است. تماس گرفتم با بچه‌های سد و مدیر ارشاد خوزستان. جوابای احوال شدم. در صحبت هر دو نکته ای وجود داشت که انگیزه رفتنم شد برای نوشتن این گزارش. هر دو از شایعات عصبانی بودند، می‌گفتند سیلاب و مشکلاتش یک طرف، شایعات طرف دیگر. می‌گفتند این قدر که انرژی ما و مردم صرف شنیدن و نگران شدن ورد شایعه می‌شود، صرف سیلاب نمی‌شود. پرسیدم مثلاً چی؟ و شنیدم مثلاً شکسته شدن سدها. تا قبل از این احساس نمی‌کردم کار در خوری از من بر بیاید، اما فکر کردم یک گزارش از سدهای کرخه و دز بتواند سهمی پیدا کند در آرام کردن بازار شایعات و راه افتادم. با خودم قرار گذاشتم نروم پایین دست. شلوغی پایین دست رفقای زیادی را به سمت خود کشانده. می‌مانم بالا و از سدها بازدید می‌کنم. ثقل این گزارش پایداری سدهاست و نقش آن هادر جلوگیری از فاجعه‌ای که می‌توانسته اتفاق بیفتد. این مجال و این کلمات، سالت مستندنگاری در باره سیل و عواقبش در پایین دست را به رفقای دیگری می‌سیارد که الان در کنار مردم تاوان‌در آب هستند.

■ کرخه‌اهلی نیست

رودخانه چرداول از ایلام و رودخانه کشکان از لرستان که به هم دست می‌دهند، پیکره اصلی رود کرخه شکل می‌گیرد. کمی پایین‌تر رودخانه زال هم به آن‌ها می‌پیوندد و آب این سه باهم وارد سد کرخه می‌شود. یادمان نرفته که رودخانه کشکان به تنهایی در زمان سیلاب چه بلایی بر سر پلدختر آورد. کرخه رودخانه عجیبی است. قبل از احداث سد در کم‌آب‌ترین زمان خودش به دبی ۴۰ مترمکعب در ثانیه می‌رسید که با توجه به برداشت زمین‌های کشاورزی عملا می‌شد آن را خشک حساب کرد. در عوض در زمان سیلاب بیشترین دبی آنی که کرخه تجربه کرده ۸۴۰۰ مترمکعب در ثانیه است. یعنی حدود ۲۰۰ برابر کم‌آب‌ترین موقع. معلوم است که بستر رودخانه باید همیشه برای بیشترین دبی آمادگی داشته باشد و این یعنی زمین‌های بسیاری باید یله و رها باقی می‌ماند برای کمتر از ۱۰ روز در طول سال. مهم‌تر این که اصلی‌ترین آبی که در این رودخانه جاری می‌شد به عنوان سیل باید به دشت آزادگان و در نهایت هور می‌رفت و به کار کشاورزی نمی‌آمد. رودی با این نوسان دبی معلوم است که اهلی نیست. اما با یک رودخانه وحشی چه باید کرد؟

مطالعه سد روی کرخه سه بار در دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ (تقریباً همزمان با سد دز) انجام شده بود. اصلی‌ترین دلیل این مطالعات هم مهار سیلاب‌هایی بود که زندگی مردم پایین دست را ناپایدار کرده بود. مردمی که مجبور بودند همیشه قایق هم جزو وسایل نقلیه داشت باشند. بالاخره با تمام شدن جنگ ایران و عراق این فرصت فراهم و با مطالعه و جامنایی خود ایرانی‌ها عملیات سد کرخه شروع شد. سدی که تبدیل به بزرگ‌ترین سد خاکی خاور میانه شد و به خاطر شیب کم منطقه، طول دریاچه‌اش به کیلومترها رسید. بعد از راه افتادن سد دیگر سیل در پایین دست کم کم فراموش شد. الان جوان‌ها دیگر سیلی یادشان نمی‌آید و خانواده‌ها قایقی در گوشه حیاط خانه شان نگهداری نمی‌کنند. هر سال آخ‌ر زمستان و اول بهار موعد سیلاب‌های کرخه‌است. سیلاب‌هایی که قیلا می‌رفت و حالا می‌ماند که کرخه در بهار و تابستان خشک نباشد و رام باشد. سیلاب‌ها



جان باختگان حادثه واژ گونی قایق گمیشان «شهید خدمت» محسوب شدند

گزارش اختصاصی از سدهای کرخه و دز

ایستاده در برابر آب



۲۰ فروردین شکست یا شکسته شد. آن‌ها که مهندس بودند می‌گفتند بوی خرابکاری را حس می‌کنند. به هر حال با شکسته شدن مسیر کانال سلمان، آب از کرخه به سمت کارون روان شد. این دبی در محاسبات وجود نداشت و کارها را خراب کرد. آب در ورودی اهواز به خیابان آمد و نگرانی زیاد شد. البته دریا دار بسیاری‌وارتشی‌ها مسئولیت بستن کانال سلمان را به عهده گرفتند. همه می‌دانند برای این که امکان امداد به مردم گرفتار در سیلاب برقرار بماند، اهواز خودش نباید در گیر آب گرفتگی شود.

■ سدهای بزرگ و محیط زیست

یک عده از این آدم‌های شکم سیر که هیچ وقت مسئله و درد مردم را حضوری و میدانی درک نکرده‌اند، وقتی حدود سه دهه پیش ساخت شبکه‌های سدروی آب‌های خوزستان و بالادست شروع شد، فریاد و اطبیعت‌اسر دادند. البته سدها در اکوسیستم منطقه تأثیر داشتند و دارند ولی یادمان باشد اکوسیستم و سلامتش باید در خدمت سلامت و زندگی مردم باشد. سدها علاوه بر مهار سیلاب‌های بهاره که همیشه هدر می‌رفت و زندگی مردم را هم مختل می‌کرد، الان باعث جریان پیدا کردن منطقی آب در طول سال شده. خشکسالی پایین دست سدها در کمیت و کیفیت بسیار عظیم‌تر از این می‌توانست باشد که الان تجربه شده. یک عده هم با ضرب و تقسیم عدد و رقم‌های مربوط به هزینه سدها سعی داشتند نشان دهند تصمیم گران قیمتی دارد اجرا می‌شود. این‌ها هدف‌شان سیاسی بود می‌خواستند مسئولان تصمیم‌گیر در این موضوع را زیر سوال ببرند. اما امروز اگر تمام منافع سدی مثل کرخه را فراموش و فقط و فقط باز دارندگی‌اش از ویرانی سیل فروردین ۹۸ در خوزستان را با هزینه‌های ساخته شدنش مقایسه کنیم، می‌بینیم سد سراسر سود بوده. سدی که اگر نبود تمام خوزستان (حداقل غرب آن) در همین فروردین از بین می‌رفت. امروز مردم و مسئولان در گیر آب گرفتگی پایین دست هستند ولی شاید چون وقت بعد که فرصتی دست داد توجه کنند به این مسئله که قهرمان نجات بخش زیست و محیط زیست و طبیعت و مردم در سیل ۹۸ سد کرخه بود.

■ سد محترم دز

چهارشنبه راه افتادم سمت سد دز. شهرستان اندیمشک با توجه به این که دو سد بزرگ دز و کرخه را در حوزه خودش می‌بیند بسیار شهر استراتژیکی در موضوع آب و برق است. اصولاً حدود یک سوم آب‌های سطحی کشور در خوزستان است. من در کتاب جای پای جلال در فصل خوزستانش به این موضوع اشاره کردم که با این آب می‌شود خوزستان قلب اقتصاد ایران باشد اما با کشاورزی و نه نفتی که روزی تمام می‌شود و اشتغال زایی‌اش هم به اندازه کشاورزی نیست. راننده خسته و کلافه بود. می‌گفت یک ماه است بی‌وقفه دارد می‌راند. شیف‌هایشان طولانی شده. شاک‌ی بود از حرف‌های عوامانه‌ای که درباره سدها دهان به دهان می‌شد. مثل یک مسئول روابط عمومی داشت خدمات سد را توضیح می‌داد. مسیر سد دز سرسبز و زیبا بود. هنوز گل‌های بهاری سر حال بودند، به لطف بارندگی‌های زیاد و الا این موقع وقت زرد شدن سبزه‌های این اطراف است. مجموعه سد دز باز دیدها و رفت‌وآمدها را محدود کرده بود. اما هماهنگی‌های قبلی من را رسانده به مهندس رتوفی نسب مدیرعامل سد. حرف‌های مهندس با حرف‌های یزدانی در سد کرخه یکی بود. اصلاً مهندس ه‌حرف‌هایشان به ریاضیات و عدد و رقم مربوط می‌شود که قابل یادزایی است. سد دز دبی خروجی ۳۳۵۰ مترمکعب را هم در سال ۹۸ تجربه کرده بود و حالا داشت تقریباً نصف آن را خارج می‌کرد. در سد دز آرامش بیشتری بود. نزدیک به ۶۰ سال از عمر و تجربه سدی گذشت و سیلاب‌های زیادی را دیده بود. البته رتوفی نسب هم از متفاوت بودن سیلاب ۹۸ گفت و این که برای اولین بار این سیلاب در سه پیک‌آمد؛ یک پیک بیشتر.

اهمیت سد و رودخانه دز در این است که خروجی آن به کارونی می‌ریزد که از مرکز استان می‌گذرد. بدون مقدمه از مدیر سد پرسیدم: حال سد چطور است؟



اجتماعی



گفت: خوب مثل همیشه. ما فقط نگران دبی خروجی هستیم که روی حال مردم پایین دست اثر دارد ولی خود سد از این روزها زیاد دیده. گفتم: می‌توانید یک ضمانت ملموس بدهید؟ گفت: ضمانت این که خانواده خودم در پایین دست زندگی می‌کنند. اگر برای سد مشکلی پیش بیاید اول خانواده و فامیل خودم دچار مشکل می‌شوند. من پایداری سد دز را بدون زلزله ۸ ریشتری تضمین می‌کنم. یاد حرف یزدانی افتادم که درست همین‌را گفته بود.

موبایل مهندس زنگ خورد: «ما که درپچه‌های سد را سر خود باز و بسته نمی‌کنیم... شما باید با مسئول آب و برق خوزستان هماهنگ کنید... تازه آن‌ها هم با وزارخانه و شورای تأمین هماهنگ می‌کنند... من در خدمتم...» سری تکان داد و گفت: نماینده مجلس بود. می‌گفت چند ساعت آب را ببندید تا مایک سیل بند را ترمیم کنیم. فکر می‌کند شیر آب باغچه است. نمی‌فهمد دبی ورودی و سیلاب بعدی یعنی چه. فکر می‌کند ما دوست داریم مردم در آب باشند. انتخابات مجلس در پیش است و نماینده‌ها تلاش می‌کنند خودی‌نشان بدهند. این را در آق قلا هم دیده بودم. گفتم: توی این همه خبر بد یک چیز خوب بگویید مهندس. گفت: دو تا شانس خوب داشتیم که باید توجه کرد. یکی این که شانس آوردیم در خود خوزستان بارندگی نشد. همه این سیل‌ها و آب‌ها برای بارندگی‌های بالادست است. شانس بعدی این بود که حوزه آبریز کارون مثل حوزه دز و کرخه سیلابی نشد.

اگر حوزه کارون همزمان سیلابی می‌شد هیچ کس نمی‌توانست به داد مردم برسد. با رتوفی نسب خدا حافظی کردم و آمدم سد و نیروگاه را دیدم. سد دز کمی ارتفاع آب را کم کرده بود تا برای سیلاب بعدی جا داشته باشد. سرریز هم آب را کف آلود بیرون می‌داد. تمام محوطه پشت سد را چیزی شبیه مه گرفته بود؛ قطرات ریز آب که در فضا پخش بود. بچه‌های نیروگاه شوخ طبعانه مشغول کارشان بودند. سد دز برعکس سد کرخه در فضایی تنگ ساخته شده و کاملاً بتنی است. دیواره آن ۲۰ متر داخل کوه فرو رفته و به آن دوخته شده است. ارتفاعی حدود ۲۰۰ متر دارد و ابهتی وصف‌نشدنی. کارمندان سد در ساعت ۱۲ تعطیل می‌شدند و غیر از آن‌ها که شیفت می‌ماندند بقیه می‌رفتند خانه‌شان. ناهار مجموعه هم پخته می‌شد و می‌رفت برای سیل زده‌ها. با این که سد دز در همین چندروز دبی ۱۰۵۰۰ مترمکعب در ثانیه را برای ورودی تجربه کرده بود و چهار بار آب را تا پیک سد پرو بعد خالی‌تر کرده بود ولی آرامش داشت. بالای سد در سورها چرخ می‌زدند و ماهی‌ها دریاچه اش قیقاج می‌رفتند. درست مثل قورباغه‌های سد کرخه که از غروب تا نصفه شب اپرای قوروش‌بان به راه بود.

■ رودخانه، خانه‌رود

در سیلاب سال ۹۵ سد دز دبی خروجی‌اش را به ۴۶۵۰ مترمکعب بر ثانیه رساند ولی هیچ مشکلی در پایین دست پیش نیامد. کمی پایین‌تر در بام‌دژ و ششعیه مخزن‌های طبیعی وجود دارد به حجم تقریبی خود سد دز. این مخازن وقتی در سیلابی می‌شد به شکل طبیعی آبیگری می‌شد و سیلاب را در خودش فرو می‌کشید. تازگی در ورودی این دو منطقه سیل بند‌هایی ساخته شده که بیش از این که سیل بند باشند سیل ساز هستند. از مدار خارج شدن این دو مخزن باعث شده دبی ۳۰۰۰ هم برای پایین دست خطر آفرین باشد. حرص آدمی تمامی ندارد. جنگل‌های بام‌دژ و ششعیه زمین‌کشورزی شده و حالا بهترین زمان است که سود و ضررهاست اندازی به حریم رودخانه را جمع جبری کنیم. رودخانه خانه رود است. جمله‌ای که این روزها زیاد می‌شنویم. تعدی به خانه رود بی جواب نمی‌ماند چون آب با کسی شوخی ندارد. فرقی هم بین لرو و کر دو تر کم‌ن و عرب نمی‌گذارد. فرقی بین شیعه و سنی نمی‌گذارد. فرقی بین فقیر و غنی نمی‌گذارد. فرقی بین مسئول و مردم نمی‌گذارد. آب به فطرت و طبیعتش رفتار می‌کند و به این فطرت باید احترام گذاشت حداقل برای حفظ احترام خودمان.

■ این تجربه تکرار خواهد شد...

در خوزستان همه چیز طبع خونگرمی دارد؛ مرده، آفتاب، مرز، حتی رودخانه‌ها. زود می‌جوشند و زود آرام می‌گیرند. این بار اما تداوم باران در بالادست جوش و خروش را بالا برده. باید صبری کرد. بعد از فروکش هم باید تدبیر کرد. بخشی از تجلی این تدبیر همین سدها بودند. برای بقیه مشکلات هم باید تدبیر داشت. مثلاً باید مردم را در بیمه کردن زدن‌گی‌شان در برابر حوادث طبیعی تشویق کرد، شاید حتی اجبار. تجربه اجباری شدن بیمه خودروها را قبل داشته ایم. این بار اولی نیست که در گیر سیل می‌شویم، بار آخر هم نخواهد بود. این تجربه تکرار خواهد شد.